



(مرتضي)

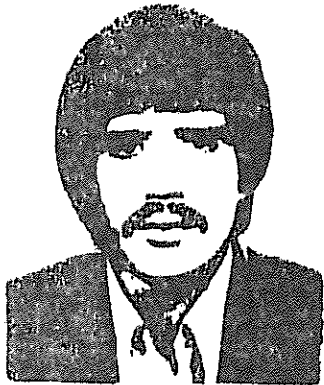
رفیق منچهر دست نبوع

اعدام قاضی‌بستی دو رفیق کمونیست



در سحر گاه روز جمعه نه مرداد هزار و سیصدوشصت ، جنایتکاران جمهوری اسلامی بدستور موسوی تبریزی جلاد دو تن از بهترین رفقای سازمان در تبریز را به جوخه ی اعدام سپردند . رفقا منوچهر دست نبوغ (مرتضی) و ابوالفضل صالحی مرزبجرائی (علی) که در تاریخ ؟ تیر ماه پیش در حین پخش اعلامیه و نشریه سازمان دستگیر شده بودند به " اتهام " قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی تیر باران شدند تا کفتاران خون آشام ارتجاع به حکومت ننگینشان ادامه دهند . رفیق منوچهر دانشجو سال آخر فلسفه دانشگاه تبریز و رفیق ابوالفضل نیز دانشجو سال سوم همان دانشگاه بود . ما شرح زندگی و فعالیت مبارزاتی رفقا را در شماره های آینده منعکس خواهیم ساخت . باشد که خون پاکشان برجم سرخ سوسیالیسم و آزادی را بر افراشته تر سازد .
یادشان گرامی

- 1- منوچهر دست نبوغ دانشجوی سال آخر فلسفه دانشگاه تبریز
 - 2- ابوالفضل صالحی مرزبجرائی دانشجوی سال سوم فلسفه دانشگاه تبریز
- هر دو حین پخش نشریه ی سازمان دستگیر شده و به حکم موسوی تبریزی در تاریخ 9 مرداد 1360 در تبریز اعدام شدند . من تا آنجا که یادم هست سازمان مطلبی از قول پزشکی که اجساد را دیده بود نقل کرد حاکی از آنکه در بدن هر دو آثار شکنجه های فراوان - قیل از اعدام - بوضوح دیده میشده تا جاییکه هیچ استخوان سالمی در بدن آنها وجود نداشته است . من این مسئله را مطمئنم که خوانده ام ولی نمیدانم در رهایی یا نشریه داخلی ، ولی در صحت آن تردیدی ندارم . یاد هر دویشان و دیگر رفقا که - باور کن - گاهی گریه ام میاندازد - بخیر و گرامی . علی



گرامی باد خاطره رفقای کمونیست

رفیق ابوالفضل حاجی در سال ۱۳۳۷ در اراک متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه عالی رادیو و تلویزیون گشت. رفیق بعد از یکسال در یافت که محیط تحصیلاتش برای گسترش فعالیت مبارزاتی اش مناسب نیست. بهمین علت مجدداً در آموزش دانشگاهی شرکت کرده و وارد دانشگاه تبریز گشت. رفیق ابوالفضل پس از مدتی فعالیت در پیشگام تبریز به همراه رفیق منوچهر دسنیو و عده‌ای دیگری از رفقای تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز یزرا پیروزی کرد. وی پس از مدتی وظیفه‌ای انتقالی نشریات و اعلامیه‌های سازمان به کردستان را بعهده گرفت و در یکی از همین سفرها بوسیله‌ای چند پیشمرکه‌ی دموکرات که ملیس به لباس پاسداری بودند همراه با مدها نشریه و اعلامیه‌ی سازمان دستگیر شد. رفیق که فکر میکرد توسط سپاه پاسداران ارتجاع دستگیر شده است به چنان دفاع جانانه‌ای از اعتقادات خود و سازمان انجام داد که پیشمرگان را به تجلیل واداشت.

پس از تعطیل شدن دانشگاهها توسط ارتجاع رفیق همچنان در تبریز به فعالیت مبارزاتی خویش ادامه داد و مدتی نیز رابط تشکیلاتی بسا زنجان بود و ضمناً مسئولیت یک حانده تیم چایی نیز بعهده‌ی وی بود.

بالاخره رفیق در تاریخ ۶۰/۴/۹ به همراه رفیق هم‌رزمش منوچهر دستگیر شد و یکماه به بند یعنی در سحرگاه روز ۶۰/۵/۹ سینه‌اش توسط رگبار گلوله‌های جنایتکاران جمهوری اسلامی سوراخ شد و خون پاکش به همراه خون مدها کمونیست دیگر در راه سوسیالیسم و آزادی بزمین ریخت.

رفیق منوچهر دسنیو در سال ۱۳۳۲ در شهرستان خوی متولد شد و پس از مدتی همراه با خانواده به صدان نقل مکان کرد. پس از گذراندن دوران دبیرستان در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت.

رفیق که در اواخر تحصیلات دبیرستانی خویش به تدریس به علل فقر و نابسا سانیهای اجتماعی که در آن زندگی میکرد پی میبرد، با ورود به دانشگاه و پیوستن به جنبش دانشجویی، کمونیسم را چراغ راهنمای خویش قرار داد و از آن پس تمام توان خویش را در راه رهایی زحمتکشان و سوسیالیسم بکار گرفت. رفیق منوچهر پس از تحلیلی موقت دانشگاهها در آبان ۵۷ به همیدان مراجعت نمود و به شرکت و سازماندهی تظاهرات اعتراضات آمیز علیه رژیم خائن پهلوی پرداخت.

پس از قیام و بازگشایی مجدد دانشگاهها رفیق به پیشگام تبریز پیوست و پس از مدتها فعالیت در بخش انتشاراتی پیشگام تبریز، به همراه عده‌ای دیگری از رفقا، با خارج شدن از تشکیلات پیشگام، تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز را بسیان نهادند.

از آن پس رفیق با تعمیق و گسترش آگاهی خویش در انتقال آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد و یکدم از مبارزات باز نایستاد. وی رابط تشکیلاتی سازمان در ارومیه بود و بخشی از کارهای چاپ و تکثیر اعلامیه‌های سازمان در تبریز نیز بعهده‌ی وی بود.

رفیق یکبار نیز در سال پیش به اتفاق رفیق دیگری در تبریز دستگیر شده بود که با هشیاری انقلابی بعد از ۱۵ روز از زندان آزاد شد.

بالاخره رفیق در کنار رفیق هم‌رزمش ابوالفضل در تاریخ ۶۰/۴/۹ دستگیر و در سحرگاه ۶۰/۵/۹ استوار و سربلند سرب‌داغ را پذیرا گشت و ایستاده در راه آرمانش شهیدت رسید.

دژخیمان اسلامی سرمایه‌داری باید بدانند که ما با خون منوچهرها و ابوالفضلها میثاق بسته‌ایم که راه آنها را تا برقراری سوسیالیسم و رهایی زحمتکشان ادامه دهیم و در این راه استواری گامهای این رفقا و مدها کمونیست بخون غلطیده‌ی دیگر را رهنمود خویش قرار میدهیم و شک نیست که بزودی انتقامشان را از تمام جانان خون آشام باز خواهیم ستاند.

راهشان پر رهرو و یادشان گرامی باد

گستارا انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

به یاد ابوالفضل و منوچهر

رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی روز ۱ تیر، به هنگام پخش اعلامیه‌ی سازمان در باره‌ی شهادت رفیق سعید سلطانپور، در تبریز بدست پاسداران ظلم و جهل اسیر شدند و پنج هفته به جاپ خبر اعدایان در روزی نامه‌های رزق به جاپ رسید. در رهایی ۱۲ شرح کوتاهی داشتیم از زندگی و مبارزات این دوررفیق. آنچه در زیر میخوانید گزارشی است از وضعیت شهادت رفیق دستنبو که وحشیگری غیر قابل تصور جلادان خصمنی را شخصی نشان میدهد، وحشیگرهایی که مطابق قوا، های خود خصمی انجام میدهد.

میرند که استخوان کتف او نیز شکسته شده و شکاف در محل شکستگی مشخص است. علاوه بر این سه انگشت یکی از دستهای رفیق نیز بریده و از کف دست جدا شده بود. تنها جای گلوله‌ای که در حس مشاهده شد در دهان وی بود. معلوم بود که گلوله‌ای را به داخل دهان رفیق شلیک کرده‌اند که در اثر آن یک طرف صورتش از هم پاشیده شده و زناش از ناحیه کردن بیرون رفته بود. خانوادۀ رفیق ابوالفضل طریقم مراجعات مکرر به دادگاه انقلاب، هنوز موفق به دریافت جسد نشده‌اند. به احتمال قریب به یقین وضع رفیق ابوالفضل از رفیق منوچهر بدتر بوده است.



رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی، دو تن از رفقای سازمان ما، در روز ۱/۴/۶۰ به هنگام پخش اعلامیه در تبریز دستگیر میشوند. خانوادۀ ایشان که بدنبال دستگیری آنها اکثر کمیته‌ها و سپاه و دادگاه انقلاب را به خاطر پیدا کردن فرزندانشان گشته بودند، کویکسرسن آثری از آنها نیافتند. خانوادۀ ها به هر کمیته‌ای که مراجعه میکردند جواب میندند که ما چنین کسی را در اینجا نداریم. بالاخره نام رفقا را در روز نامه‌های ۱۴ مرداد نوشتند و اعلام کردند که اعدام شده‌اند. روزنامه‌های کیهان خبر را با عنوان ۳۷ قاجاقین در تبریز اعدام شدند چاپ کرده و فقط در متن خبر نام دوررفیق را آورده بود. بدنبال همین خبر، و با یک روز تأخیر، خانوادۀ ها برای دریافت جسد ها به دادگاه مراجعه میکنند. مسئولین دادگاه جواب میدهند که به وادی رحمت (گو رستان تبریز) مراجعه کنید. خانوادۀ دستنبو به گورستان رفته و تقاضای استرداد جسد را میکنند تا آنرا به شهر خودشان ببرند. مسئولین اظهار میدارند که ما چهار روز این جسد ها را در سردخانه نگه داشتیم و ۹ روز است که آنها را بخاک سپرده‌ایم. خانوادۀ ها روزنامه را نشان میدهند و میگویند شما در این تاریخ (۱۴ مرداد) اساسی را اعلام کرده‌اید و از آن تاریخ سه روز میگذرد. ما چه از نظر قانون و چه از نظر شرع مجازیم که نبش قبر کنیم. بالاخره بعد از صحبت فراوان خانوادۀ ی رفیق دستنبو موفق میشوند که اجازه نبش قبر را از دادستان بگیرند. پس از نبش قبر متوجه میشوند که جسد رفیق را بدون شناسنامه و کفن کردن با پراهنی که به تن داشته در نایلونی پیچیده و در قبر گذاشته‌اند. پس از آنکه نایلون را باز میکنند تا جسد را مشاهده عینی کرده و آنرا در نایلون تهریزی پیچند متوجه میشوند که جایی گلوله‌ای در بدن وجود ندارد و پاهای رفیق منوچهر را روی سینه اش قرار داده‌اند. خانوادۀ ی رفیق متوجه میشوند که دو پای او را از ناحیه ساق و چند جای دیگر شکسته و باز پیچیده

کتر از ده روز پس از شهادت رفقا دستنبو و صالحی، مردوران رژیم در جلای ۱۸ مرداد مجلس خود در خصوص "بهرترین شیوه‌های شکنجه و اعدام بحث میکردند. در حالی که تنها از ۳۰ مرداد تا ۱۸ مرداد بیش از ۵۰۰ تن مبارز انقلابی در شکنجه‌ها با در مدانهای تیر رژیم شهید شده بودند. مرتضوی به نام عباسی به اربابان خود یادآوری کرد که اگر دست و پایی کسی را ببرید او را در خیابان بیندازید ((میدانید)) چه اثر قاطعی خواهد داشت. و جلاد موسوی تبریزی با قاطعیت اظهار نظر کرد که امروز بهترین راه مبارزه با ضد انقلاب، به صلاحدید همه حکام شرع اعدام است. تنها در ۸۰ روز گذشته نزدیک به ۱۶۰۰ مبارز انقلابی اعدام شده‌اند. جلادان خصمنی دستبند پاهای بسیاری را شکسته و بیجا بریده‌اند و آنترسیگار خود را بر بدنهای بسیاری خاموش کرده‌اند. اما پروازهای همه روزه مردوران ریز و درشت رژیم به لقالله بهترین گواه است. اشرف قاطع اینک هیچ یک از این وحشیگرها "اشرف قاطع" نداشته و نخواهد داشت. ریسان الهی پیوسته‌ای که خصمنی و حکومتش به آن چنگ زده‌اند در حال از هم گسستن است. روزمرگ این حکومت ظلم و فساد و جهل در نخواهد بود. اگر چه منوچهر و ابوالفضل در آنروز در کنار ما نخواهند بود، اما یادشان هرگز گزاف و خاطرممان نخواهد رفت. ما راه این دوررفیق و هزاران کوشش دیگر را که در سراسر جهان برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، برای برقراری سوسیالیسم، جان فدا کرده‌اند ادامه خواهیم داد.